

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی

جایگاه شعر در زیباشناسی رمانتیسم آغازین آلمان با تکیه بر آراء نوالیس و برادران شگل

نگارش: نوید افشارزاده

استاد راهنما: جناب آقای دکتر علی اصغر مصلح

استاد مشاور: سرکار خانم دکتر شمس‌الملوک مصطفوی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد

در رشته‌ی فلسفه‌ی هنر

شهریور ماه ۱۳۹۲

فرم گردآوری اطلاعات پایان‌نامه‌ها

کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: جایگاه شعر در زیباشناسی رمانتیسم آغازین آلمان با تکیه بر آرا نوالیس و برادرانِ شلگل		
نویسنده / محقق: نوید افشارزاده		
مترجم:		
استاد راهنما: جناب آقای دکتر علی اصغر مصلح	استاد مشاور: سرکار خانم دکتر شمس‌الملوک مصطفوی	
استاد داور: جناب آقای دکتر امیر مازیار		
کتابنامه: دارد	واژه‌نامه: ندارد	
نوع پایان‌نامه: بنیادی ■		
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: نیمسال دوم ۹۱-۹۲	
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: دانشگاه علامه طباطبائی	دانشکده: ادبیات و زبانهای خارجه
تعداد صفحات: ۱۱۳	گروه آموزشی: فلسفه	
کلید واژه‌ها به زبان فارسی: رمانتیسم آغازین آلمان، شعر رمانتیک، اسطوره‌شناسی نو، آبرونی، قطعه‌نویسی		
کلید واژه‌ها به زبان انگلیسی: Early German Romanticism, Romantic Poetry, New Mythology, Irony, Fragment		

چکیده

الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):

اساس اندیشه رمانتیک آغازین آلمان رمانتیک کردن جهان از طریق استعلا‌ی زندگی روزمره و تمامی علوم از جمله فلسفه است. این استعلا بخشی در نظر آنان از طریق شاعرانه کردن جهان و خلق اسطوره‌های نو در هنر و شعر صورت می‌گیرد. در این پژوهش سعی بر آن است که با تعمق در متون اندیشمندان رمانتیک و همچنین معتبرترین فیلسوفان و محققان در این زمینه، بنیان‌های نظری این اندیشه تبیین شده و از این طریق برنامه و هدف آنان از تحقق این نظریات روشن گردد. این موضوع می‌تواند مشخص نماید که چگونه فیلسوفان، انیشمندان و هنرمندان پس از رمانتیسم از تفکرات آنان تأسی جسته و چگونه جهان بینی و بینش رمانتیک هنوز هم به قوت خود باقی است و دعوت همیشگی رمانتیسم به بازگشت به غنا و تنوع تجربه تخیلی عنصر پایدار رمانتیسم را نشان می‌دهد.

ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسشها و فرضیه‌ها:

با توجه به نوشته‌هایی که از نمایندگان رمانتیسم آغازین آلمان به جا مانده است کوشش شده است که از منابع دست اول در این خصوص استفاده شود. با این حال از نوشته‌های تفسیری در خصوص مبانی فلسفی رمانتیک‌ها در بخش‌هایی که لزوم آن‌ها احساس گردیده استفاده شده است. از جمله موارد مهم در تبیین اندیشه رمانتیک‌های آلمانی تعیین جایگاه اندیشه آنان در آن برهه از تاریخ فلسفه و زیبایی‌شناسی و به خصوص پرداختن به نسبتی است که رمانتیک‌ها با هم‌عصران ایدئالیست خود داشته‌اند. همچنین این پژوهش در پی آن است که پیامدهای نگاه انتقادی رمانتیک‌ها نسبت به فلسفه‌های معاصرشان را در نظریه زیبایی‌شناسی رمانتیک‌ها پیگیری کند.

پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه‌گیری و روشهای نمونه‌گیری،

ابزار اندازه‌گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها:

تحلیلی - توصیفی

این تحقیق بر پایه تحقیقات کتابخانه‌ای استوار است و سعی شده تا با مطالعه‌ی کتب، رسالات موجود و متن‌خوانی اطلاعات را دسته‌بندی کرده و نتایج مطالعات را در ابزار مناسب اعم از بینش و فرم ثبت و نگهداری شود و در پایان نسبت به طبقه‌بندی و بهره‌برداری از آنها اقدام شود.

ت. یافته‌های تحقیق:

در پایان رساله روشن می‌گردد که زیبایی‌شناسی رمانتیک بدو از واکنش رمانتیک‌های آغازین آلمان نسبت به فلسفه‌های کانت و فیثته سر بر می‌آورد. این امر بیش از هر چیز خود را در طرح مفهوم نوین شعر رمانتیک به مثابه امری فراژانر نشان می‌دهد. با پی‌ریزی این مفهوم نوین و پیامدهای آن از جمله رویکرد ضد شالوده‌باور به فلسفه و به طور کلی واقعیت و همچنین نگاه رمانتیک به زندگی، مشخص می‌گردد که قطعه‌نویسی پیامد نهایی این زیبایی‌شناسی است.

ث . نتیجه گیری و پیشنهادات:

در این رساله روشن می گردد که نخستین بار توسط رمانتیک هاست که طرح یک رویکرد زیباشناسانه نوین همراه با ساز و کارهای ضدشالوده‌باورانه در مواجهه با حقیقت، به واکنشی همه جانبه به نیهیلیسم و سلطه آن در زندگی مدرن می انجامد. شعر رمانتیک با توانایی های بیکران خود در معنا آفرینی و زاییدن یک اسطوره‌شناسی نوین مهمترین مفهوم در زیبایی شناسی رمانتیک است. با توجه به یافته های این پژوهش، نگارنده پیشنهاد می نماید که نظریات رمانتیک های آغازین در خصوص هرمنوتیک و نظریه زبان، به خصوص در تقابل با نظریات شلایرماخر و دیلتای می تواند موضوع رساله های متنوع در این زمینه باشد.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می نمایم.

نام استاد راهنما:

سمت علمی:

رئیس کتابخانه:

نام دانشکده:

بسمه تعالی

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب **نوید افشارزاده** دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی **۸۹۱۲۰۹۰۱۱۰۲** در رشته **فلسفه هنر** که در تاریخ **۹۲/۰۶/۲۳** از پایان نامه خود تحت عنوان: **جایگاه شعر در زیباشناسی رمانتیسم آغازین آلمان با تکیه بر آراء نوالیس و برادران شگل** دفاع کردم،

بدینوسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدارک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

سپاس و قدردانی

حمد و ستایش او را سزااست که توانم بخشید در راه فراگیری علم و دانش قدم بردارم.

بر خود لازم می‌دانم از کلیه کسانی که به نحوی در تهیه و تدوین این پایان‌نامه مرا یاری نموده‌اند قدردانی نمایم.

با سپاس فراوان از جناب آقای دکتر علی اصغر مصلح که در تمامی مراحل تهیه، تدوین و نگارش پایان‌نامه با کمال صبر و شکیبایی مرا با راهنمایی‌های ارزنده‌ی خود مورد لطف قرار داده و از هیچ کوششی دریغ ننمودند.

از استاد گرانقدر سرکار خانم دکتر شمس‌الملوک مصطفوی که مشاوره این پایان‌نامه را به عهده داشتند سپاسگزارم که بدون همراهی و همفکری ایشان انجام این پژوهش میسر نبود.

همچنین از استاد محترم جناب آقای دکتر امیر مازیار که زحمت بازخوانی متن و داوری را تقبل نمودند تشکر می‌نمایم.

از دوست و همکلاسی مهربانم سرکار خانم شیرین عالی که در تمامی مراحل نگارش این پایان‌نامه از همفکری و یاری ایشان بهره‌مند گشتم کمال تشکر را دارم.

از زحمات و حمایت‌های بی‌دریغ خانواده‌ام که در تمامی مراحل تحصیل صبورانه مرا پشتیبانی کرده‌اند بی‌نهایت سپاسگزارم.

چکیده

رمانتیسیم آغازین آلمان علی‌رغم عمر کوتاه فعالیتش در ینا، نظریه زیباشناسی خلاقانه‌ای را عرضه نمود که بعد از گذشت بیش از دو سده، همچنان جذابیت‌های بسیاری در مباحث فلسفی و هنری به دنبال دارد. آنچه که در خصوص متفکران این جنبش بیش از هر چیز جالب توجه است، بینش رادیکالی است که آن‌ها در قبال بسیاری از مسائل موجود در فلسفه و زیبایی‌شناسی از خود نشان دادند. رساله‌ی حاضر می‌کوشد تا با خوانشی که از مفهوم شعر رمانتیک به مثابه هسته اصلی زیباشناسی رمانتیسیم آغازین آلمان به دست می‌دهد، ضمن روشن ساختن موضع فلسفی خاص رمانتیک‌ها، این دو بحث را مستقیماً به زیبایی‌شناسی نویسنش قطعه‌وار پیوند زند و از خلال آن تلاش کند تا به مهم‌ترین پیامدهای زیباشناسی رمانتیک پردازد.

واژگان کلیدی: رمانتیسیم آغازین آلمان - شعر رمانتیک - اسطوره‌شناسی نو - آبرونی -
قطعه‌نویسی

مقدمه

رمانتیسیم آغازینِ آلمان جنبشی است که از زوایای کاملاً متنوع و متفاوت می‌توان به بررسی آن پرداخت. در ابتدای امر این واقعیت که آن‌ها در دوره‌ای بسیار ویژه و پربار از تاریخ فلسفه و زیبایی‌شناسی دست به قلم شده و نامی در برگ تاریخ از خود به جای گذاشتند، هر اندیشمندی را کنجکاو می‌سازد که در نظریات آن‌ها جست‌وجو کرده و ویژگی‌های خاص آن را بیابد. آن‌ها در زمانه‌ی بسیار ویژه‌ای می‌زیستند؛ عصری که آنقدر فیلسوف، شاعر، نقاش و موسیقی‌دان بزرگ و برجسته داشت که پس از گذشتِ دورانِ اوج آن، بسیاری از نام‌ها زیر سایه دیگران گم شد و تا سال‌ها در پشت پرده‌ای از تاریکی قرار گرفت. رمانتیک‌های آغازین آلمان اما تاکنون هیچگاه و در طی گذشت بیش از دو قرن به ورطه‌ی فراموشی نیفتاده‌اند. اگرچه نام آن‌ها هرگز به آوازه هگل نرسید، اما فیلسوفانی هم بودند که آوای غریب و شاید ناهمساز رمانتیک‌ها را شنیدند و به آنان مجال سخن دادند. رساله‌ی حاضر نیز به مسیر کوتاه اما پرباری که رمانتیک‌ها طی گذشت کمتر از ۸ سال پیمودند خواهد پرداخت.

موضوع رساله پیش رو «نقش شعر در زیباشناسی رمانتیسیم آغازین آلمان» است. دلیل انتخاب این موضوع آن است که شعر رمانتیک، نه تنها مانیفست ادبی، که حتی به نوعی بیانیه جهانی رمانتیک است که هسته تمامی آرمان‌ها و اهداف رمانتیک‌ها را در خود دارد. بنابراین موضوع رساله حاضر، صرفاً نظریه شعر رمانتیک نیست، بلکه پیگیری مسیری است که از دل فلسفه و متافیزیک رمانتیک زاده می‌شود و با شکل‌گیری مانیفست شعر رمانتیک وارد دو شاخه مهم دیگر می‌شود: یکی اسطوره‌شناسی نو و دیگری تلاش رمانتیک‌ها در پروراندن رسانه بیانی خاص خودشان یعنی قطعه-نویسی.

بایستی به این نکته اشاره شود که نگارنده در انتخاب فصول اگرچه با هدف مشخصی پیش رفته، در نهایت مشخص خواهد شد که صرفاً نظمی تصنعی را بر این رساله تحمیل کرده است. چرا که خصلت دایره‌وار و نوسان‌گونه‌ی اندیشه رمانتیک‌ها باعث می‌شود که صحبت از نقطه آغاز و پایان کمی بی معنا به نظر آید. همچنین نوع نویسندگی فلسفی رمانتیک‌ها حکایتی از تمایلی مشهود جهت

دوری از وسوسه‌های پردازش فلسفه‌ای نظام‌مند دارد و از این رو، داعیه‌ی مواجهه‌ی نظام‌مند با زیباشناسی رمانتیک با اساسی‌ترین اهداف این متفکران ناهمخوان است. با این حال در یک پژوهش آکادمیک به نظر می‌رسد که رعایت ملاک پیوستگی، امری غیرقابل اغماض باشد. بنابراین نگارنده سعی نموده است که به گونه‌ای با این موضوع مواجه شود که لطمه‌ای به پیوستگی هرچند تصنعی این رساله وارد نشود.

فصل نخست این رساله پس از مقدمه مختصری که دلیل ورود به مبحث فلسفه‌ی رمانتیک را بررسی می‌کند، به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود. در بخش اول کوشش شده تا با شروع از شرح نقدهایی که نوالیس به فلسفه‌های معاصرش وارد می‌سازد به تدریج از آرای اختصاصی او در خصوص ساحت فلسفه پرده برداشته شود و دلایل نزدیک شدن او به قلمرو زیبایی‌شناسی نیز مورد بررسی قرار گیرد. بخش دوم به آراء فردریش شلگل اختصاص می‌یابد که اگرچه در بسیاری موارد با نظرات نوالیس نزدیک است، نهایتاً در برخی جنبه‌های اساسی کاملاً ویژه خود اوست و همین امر است که به نوعی مسیری که بعدها شلگل در پروراندن مفاهیمی چون آبرونی و قطعه‌نویسی می‌پیماید را مشخص می‌سازد.

فصل دوم در ابتدا به دیدگاه آغازین رمانتیک‌ها در خصوص شعر مدرن می‌پردازد. پرداختن به این امر از آن جهت اهمیت دارد که فرمولیزه کردن مفهوم مدرن شعر در تقابل با شعر کهن، به نوعی راه را برای فراژنری شدن شعر رمانتیک و پیوند آن با فلسفه می‌گشاید. پس از آن مفهوم شعر رمانتیک به مثابه امری فراژنر مورد بررسی قرار می‌گیرد و چگونگی نزدیک شدن و به طور کلی نسبت آن با فلسفه واکاوی خواهد شد. در دو بخش بعدی این فصل به دو آرمان رمانتیک‌ها خواهیم پرداخت که هر دو مستقیماً از دل مفهوم نوین شعر رمانتیک برمی‌خیزند.

و اما فصل سوم با دو مبحث مهم و رادیکال رمانتیک‌ها در خصوص زبان و تئوری فهم آغاز می‌شود. این دو مبحث از آنجا اهمیت فراوان دارند که به نوعی زمینه را برای ورود به موضوع آبرونی و در نهایت زیبایی‌شناسی نویسنش قطعه‌وار فراهم خواهند کرد. در پایان با تحلیلی که از تصور

شلگل در خصوص مفهوم آبرونی ارائه می‌شود، به رابطه‌ی آن با قطعه‌نویسی اشاره شده و قطعه-
نویسی به مثابه پیامد اصلی شعر رمانتیک معرفی خواهد شد.

فهرست مطالب

مقدمه	۱۰
فصل اول: در جست‌وجوی ساحت راستین فلسفه	۱۴
۱-۱: درآمد	۱۵
۲-۱: نوالیس و چشم‌پوشی از مطلق	۲۰
۳-۱: شلگل و ایده نوسان	۳۲
۴-۱: گامی به سوی زیبایی‌شناسی	۴۵
فصل دوم: روایتی از شعر رمانتیک	۴۷
۱-۲: شعر در دوره‌ی آغازین حیات فکری رمانتیک‌ها	۴۸
۲-۲: شعر رمانتیک به مثابه امری فراژانر	۵۳
۳-۲: پرسش از نزاعی دیرین: شعر و فلسفه	۵۸
۴-۲: یک اسطوره‌شناسی نو	۷۰
۱-۴-۲: آگوست شلگل و جایگاه اسطوره‌شناسی	۷۰
۲-۴-۲: فردریش شلگل و ایده اسطوره‌شناسی نو	۷۲
۵-۲: جهان را رمانتیک‌سازیم	۷۶
فصل سوم: تئوری فهم رمانتیک و زیبایی‌شناسی نویسیش قطعه‌وار	۷۹
۱-۳: درآمد	۸۰
۲-۳: رمانتیک‌های آلمانی و وجه سلبی زبان	۸۱
۳-۳: درک‌ناپذیری: راه روشن‌اندیشی از تاریکی می‌گذرد	۸۶
۴-۳: سیمای شلگل: لبخند آبرونیک سقراط	۹۱
۵-۳: قطعه نویسی و ناکارمندی	۹۸
موخره	۱۰۷
فهرست منابع:	۱۰۹

فصل اول: در جست‌وجوی ساحت راستین فلسفه

۱-۱: درآمد

پرسشی که در پژوهشِ وجوه گوناگون اندیشه رمانتیک‌های آغازین آلمان ناگزیر بایستی بدان پاسخ داده شود پرسشِ رو به روست: از کجا باید آغاز کرد؟ معرفت‌شناسی، متافیزیک، نظریه ادبی، اخلاق، سیاست، زیبایی‌شناسی، انواع هنرها، همه و همه مواردی هستند که از حدود ۲ سده پیش بدان‌ها واژه "رمانتیک" اطلاق گشته و ادبیات و بدنه‌ی عریضی از موضوعات متنوع ضمیمه آن شده است. این که واژه رمانتیک به خودیِ خود چه پیشینه‌ای دارد و اینکه سبب ساز چه دشواری‌هایی در طبقه‌بندی ژانرهای هنری و همچنین تأملات فلسفی، اجتماعی و سیاسی گشته، خود می‌تواند موضوع پژوهشی جداگانه باشد. اما در پژوهش حاضر بایستی به گونه‌ای موجز و به منظور تعیین نقطه آغاز بحث، به مواردی اشاره شود. نکته نخست که البته امروزه تا حدودی بدیهی است، تمایز میان انواع رمانتیک‌هاست. پژوهش حاضر به دلایلی کوشش خاصی به واژه "رمانتیک" به عنوان یک مفهوم، آنگونه که لاجوی^۱ آن را پدیده‌ای عام و غیر تاریخی دانسته، ندارد، چرا که آن را پدیده‌ای یکه می‌داند که اهمیت تاریخی آن به سادگی قابل اغماض نیست ولی از این منظر که خود این واژه در طبقه‌بندی‌های گوناگون ژانری همواره مشکل‌ساز بوده، و می‌بایست از تعدد رمانتیسم‌ها سخن گفت با لاجوی همراه است. بنابراین وحدت رمانتیسم اروپایی که مورد نظر ولک^۲ است به ویژه از نقطه نظر پژوهش فلسفی نمی‌تواند قابل قبول باشد، چرا که رمانتیک‌های آغازین^۳ آلمان که مهم‌ترین نمایندگان آن برادران شلگل، یعنی آگوست^۴ و فردریش^۵ شلگل، و همچنین نوالیس^۶ و شلایرماخر^۷ بودند، به لحاظ نظریه‌پردازی و نگاه فلسفی از دیگر رمانتیک‌های اروپایی متمایز اند. آن‌گرایش‌های شدید به احساسات‌گرایی که به خصوص در رمانتیک‌های فرانسه قابل مشاهده است را نمی‌توان در مورد رمانتیک‌های آلمانی صادق دانست. مهم‌تر از آن ضدیت با عقلانیت و خردورزی است که در رمانتیک‌های فرانسه و انگلستان دیده می‌شود، اما در

^۱ Arthur Lovejoy

^۲ Rene Wellek

^۳ "آغازین" به دلیل اینکه آن‌ها را از آموزه‌های بعدی در آلمان که با این نام شناخته شده اند تمیز دهیم؛ به خصوص گرایش‌های ملی‌گرایانه از

نقطه نظر سیاسی و همچنین گرایش‌های فلسفی رمانتیک‌های بعدی

^۴ August Wilhelm Schlegel

^۵ Friedrich Schlegel

^۶ Novalis (Friedrich von Hardenberg)

^۷ Friedrich Schleiermacher

مورد رمانتیک‌های آلمانی صدق نمی‌کند و نزد آن‌ها به گرایش‌هایی از قبیل نقد عقلانیت^۱ محوریِ روشنگری و طرد ادعای قطعیت در باب خرد بر می‌خوریم که نمی‌توان این‌ها را به پای خردگریزی رمانتیک‌ها گذاشت. علاوه بر این آنگونه که مشاهده خواهیم کرد، "زیبایی‌شناسی" که به طور خاص موضوع پژوهش حاضر نیز هست، از دل متافیزیک و معرفت‌شناسی رمانتیک‌های آغازین است که سر بر می‌آورد. پس نکته دوم این است که پژوهش پیش رو با رویکردهای صرفاً ادبی در باب رمانتیسم آغازین که آن را اساساً جنبشی ادبی و نقادانه به شمار می‌آورند مخالف است. این امر ما را به پاسخ به پرسش نخست در باب نقطه عزیمت پژوهش نزدیک می‌کند.

امروز به مدد تفاسیر متعددی که از فلسفه رمانتیسم آغازین آلمان صورت گرفته، سخن گفتن از دیدگاه فلسفی آن‌ها دیگر عجیب به نظر نمی‌رسد. با توجه مطالعات نکته‌سنجانه و عمیقی که از نوشته‌های نمایندگان اصلی این جنبش صورت گرفته است می‌توان از وجود فلسفه‌ای سخن گفت که در بسیاری موارد اختلافی ریشه‌ای با باورهای اندیشمندان معاصرشان دارد. نزدیکی با برخی آرای فیلسوفان پست‌مدرنیست در واقع یکی از دلایلی است که مطالعه در باب فلسفه رمانتیسم دوباره احیا گردیده است. رمانتیک‌ها مانند پست‌مدرنیست‌ها در مورد امکان وجود نگرش شالوده‌باورانه تردید داشتند و معیارهای عام نقد را زیر سوال برده و نظام‌های بسته و مفهوم سوژه‌ی خودبسنده^۱ی فلسفی را به شدت مورد نقد قرار دادند. آن‌ها همچنین در تکامل و پیشرفت هرمنوتیک^۲ پیشرو و موسسان نقد ادبی تاریخی‌گرا بودند. اما بایستی در همین ابتدا خاطر نشان گردد که همانطور که بایزر^۲ اشاره کرده، تاویل‌های پست‌مدرنیستی از رمانتیسم آغازین نگاهی یکجانبه-نگر را بدان تحمیل می‌کند و علی‌رغم این شباهت‌ها بایستی آن را پدیده‌ای یکه و تاریخی دانست و ابعاد عقلانی این جنبش را آشکار نمود (Beiser, 2003:2).

اهمیت تاریخی رمانتیسم آغازین به عوامل زیادی مربوط می‌شود. می‌توان به گسست آن‌ها از میراث دکارتی اشاره کرد: مخالفت با تصور ماشینی از طبیعت، ردِ دوئالیسم میان ذهن و بدن، و عدم اعتقاد شالوده‌باورانه به برخی اصول نخستین یقینی و همچنین سوژگی کتیوخته خود روشنگرانه.

¹ The Self-Sufficient Subject

² Frederick C. Beiser

رمانتیک‌های آغازین همچون بسیاری از فیلسوفان هم‌عصر خود گونه‌ای معرفت‌شناسی را جست‌وجو نمودند که برای نقد ارزش قائل شده ولی با این وجود از شک‌آوری مطلق پرهیز کند؛ گونه‌ای معرفت‌شناسی که شکست‌های شالوده‌باوری^۱ را بازشناسد و با این حال تسلیم نسبت‌انگاری محض نشود. البته واکنش رمانتیک‌های آغازین به فلسفه‌ی کانت^۲ به گونه‌ای متفاوت از ایدئالیست‌ها صورت‌بندی می‌شود که در همین فصل به مهم‌ترین جنبه‌های آن اشاره خواهد شد.

پس مشخص گردید که نقطه آغاز این پژوهش، پرسش از ساحت فلسفه در نگاه رمانتیک‌ها خواهد بود. رساله‌ی پیش رو بر آن نیست که نگاهی یکپارچه را به اندیشه تمامی نمایندگان رمانتیسم آغازین آلمانی معطوف کند. در واکاوی تفکرات فلسفی رمانتیک‌ها، فردریش شلگل و نوالیس چهره‌های عمده این پژوهش خواهند بود. آگوست شلگل چندان در پروراندن نظریه فلسفی رمانتیک نقشی ایفا نمی‌کند، اما اندیشه‌های او در خصوص نظریه ادبی و شعرشناسی تأثیری قطعی بر تمامی رمانتیک‌های آلمانی گذاشت. اکنون این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که چرا به منظور پرداختن به "نقش شعر رمانتیک" بایستی از فلسفه آغاز کرد؟ با وجود اینکه در این رساله به دفعات در پاسخ به این پرسش کوشش خواهد شد، بایستی مختصراً و در همین ابتدا بدان پاسخ داد. ما در پیگری جهت یافتن جایگاه شعر رمانتیک، تطور معنایی ویژه‌ای خواهیم یافت. اما آنچه که همچون نقطه عطفی در این تطور معنایی به حساب می‌آید، واکنشی است که فردریش شلگل و نوالیس هر کدام به نوبه خود اما با اشتراکات بسیار در قبال فلسفه کانت و به خصوص فیخته^۳ از خود نشان دادند. در واقع می‌توان مدعی شد که پیش از مطالعات فلسفی شلگل و نوالیس، واژه رمانتیک صرفاً به صورت یک بذر ادبی زنده در تصور آن‌ها وجود داشت که پیش از آن دو توسط آگوست شلگل صورت‌بندی شده بود. "شعر" محوری‌ترین و مرکزی‌ترین مفهوم در رمانتیسم آغازین آلمان است که کنه هستی‌شناسی و زیبایی‌شناسی رمانتیک را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر اینجا ما صرفاً با مفهوم ژانری شعر سروکاری نداریم، بلکه به دقت با نوعی صورت-بندی از کل هستی‌شناسی رمانتیک روبه‌رو هستیم که پی بردن به نقش آن تنها از راه پرداختن به

¹ Foundationalism

² Immanuel Kant

³ Johann Gottlieb Fichte

مبانی فلسفی اندیشه آن‌ها امکان‌پذیر است. مفهوم "شعر رمانتیک" کلیدواژه کل نظریه فلسفی و زیبایی‌شناسی رمانتیک‌ها و در بردارنده‌ی مهم‌ترین داعیه‌های آن‌ها از جمله ایجاد نسبت میان شعر و فلسفه، آفرینش فرم نوین نویسش فلسفی و همچنین اسطوره‌شناسی نو خواهد بود.

پس از آنکه وجوه فلسفی رمانتیسم دوباره در کانون توجه پژوهشگران معاصر قرار گرفت، تفاسیر متفاوتی از نوشته‌های آنان ظهور یافت. به عنوان نمونه، در برخی تفاسیر رمانتیک‌ها در دل سنت ایدئالیسم آلمانی جای می‌گیرند و اغلب با برجسب "ایدئالیسم مطلق" فلسفه آن‌ها توضیح داده می‌شود. فردریک بایزر از جمله کسانی است که علی‌رغم اشاره به ویژگی‌های مختص رمانتیسم آغازین، آن را در سنت ایدئالیسم آلمانی جای داده و با تاکید بر ملهم بودن رمانتیک‌ها از افلاطون، خردگرایی ویژه رمانتیک‌ها را برجسته کرده و به باور آن‌ها به فلسفه ارگانیک طبیعت و از قبال آن امر مطلق به مثابه پیوند سوژه و ابژه در یک کل ارگانیک اشاره می‌کند. اما مانفرد فرانک^۱ از دیگر مفسران برجسته فلسفه رمانتیسم آغازین است که در فلسفه‌ی آنها رگه‌های محکمی از پیوند با رئالیسم هستی‌شناسانه^۲ و معرفت‌شناختی را ردیابی می‌کند. فرانک بر این باور است که «اگر رئالیسم هستی‌شناسانه را بتوان با این نظریه بیان کرد که واقعیت مستقل از آگاهی وجود دارد، و اگر رئالیسم معرفت‌شناختی مبتنی بر این نظریه است که ما شناخت کافی از واقعیت نداریم، بنابر این می‌توان رمانتیسم آغازین آلمان را نسخه‌ای از رئالیسم هستی‌شناسانه و معرفت‌شناختی دانست» (Frank, 2004:28). مفسران دیگر از جمله اندرو بویی^۳ بر نظر رمانتیک‌ها در خصوص حقیقت به مثابه "تصوری تنظیم‌کننده"^۴ تاکید کرده و "اشتیاق و تقریب بی‌پایان" به آن را برجسته می‌کنند و از این رهگذر رمانتیسم آلمانی را بیشتر با نوعی پراگماتیسم معاصر پیوند می‌دهند. زایبرت^۵ نیز اگرچه غالباً با تفسیر فرانک موافق است، در خصوص اهمیت فلسفه طبیعت و ایده ارگانیک در اندیشه رمانتیک‌ها نظر بایزر را می‌پذیرد و به طور کلی فلسفه رمانتیک را دورگه‌ای از رئالیسم و ایدئالیسم می‌داند بی‌آنکه لزوماً ایده وحدت میان آن‌ها را مطرح کند. زایبرت

¹ Manfred Frank

² Ontological Realism

³ Andrew Bowie

⁴ Regulative Idea

⁵ Elizabeth Millan-Zaibert

بیشتر با تاکید بر ضدشالوده‌باوری و کیفیت دیالوگ‌گونه و شبه دیالکتیکی مورد نظر رمانتیک‌ها در رابطه سوژه با جهان پیرامون، همچون بووی دسترس‌ناپذیری فرجامین امر مطلق را در اندیشه رمانتیک‌ها برجسته می‌کند.

گوناگونی این تفاسیر بیشتر از خود نوشته‌ها و قطعات و سخنرانی‌های پراکنده نمایندگان رمانتیسم آغازین آلمان نشئت می‌گیرد و بنابراین نمی‌توان هیچ یک از آن‌ها را به گونه‌ای محض صحیح دانست. پژوهش پیش رو از آنجا که بر پیامدهای زیباشناختی فلسفه رمانتیک‌ها تاکید دارد، بدیهی است که نمی‌تواند به طور جامع به بحث ارزیابی و ارائه هر یک از این تفاسیر ورود کند؛ از این رو به جهت اهمیت بحث روش‌شناسی و با توجه به پیامدهایی که هر کدام از این تفاسیر در باب نظریه زیباشناختی به طور کلی و نظریه شعر به طور خاص در پی دارند، با برخی موافق و با برخی مخالف است. تاکید رساله حاضر بر این امر است که اگرچه حتی خود رمانتیک‌ها در مواردی فلسفه خود را "ایدئالیسم" خوانده اند، نمی‌توان آن‌ها را همچون شلینگ^۱، فیشته و هگل^۲ ایدئالیست به حساب آورد؛ چرا که در برخی از اساسی‌ترین اندیشه‌ها و عقاید، میان رمانتیک‌ها و ایدئالیست‌ها تفاوت‌های بنیادی وجود دارد. با این وصف تأکیدی که فرانک (به منظور جدا کردن رمانتیک‌ها از سنت ایدئالیسم) بر عنصر رئالیسم در فلسفه رمانتیک کرده، اگرچه به جاست و از وزن تفاسیر یکجانبه‌نگر ایدئالیستی می‌کاهد، به ویژه در خصوص نظریات شلگل و تأکید وی بر ایده‌ی نوسان، حق مطلب را به شکلی کامل به جا نمی‌آورد؛ و اینکه با مستقل دانستن یکسره واقعیت از آگاهی، تأکید رمانتیک‌ها بر کوشش بی‌نهایت در جست و جوی امر بی‌کران نادیده گرفته خواهد شد و جدای از این راه را بر تفاسیر دگماتیستی خواهد گشود. از این رو پژوهش حاضر به خصوص در مواجهه با اندیشه‌های فلسفی رمانتیک‌ها سعی به اتخاذ موضعی نموده که به فهم مفاهیم زیباشناختی از جمله شعر، قطعه‌نویسی^۳ و آیرونی رمانتیک هرچه بیشتر کمک کند. به منظور پرداختن به جایگاه فلسفه و نظریه فلسفی رمانتیک‌ها لازم است به واکنش آن‌ها نسبت به نظریه فیلسوفان معاصرشان به خصوص کانت و فیشته پردازیم و از خلال آن عقاید فلسفی منحصر به خودشان را

¹ Friedrich Wilhelm Joseph Schelling

² Georg Wilhelm Friedrich Hegel

³ Fragment

نیز بررسی کنیم. آخرین نکته‌ای که می‌بایست بدان توجه نمود این است که مسلماً اندیشه‌های فلسفی فردریش شلگل و نوالیس علی‌رغم نزدیکی‌های بسیار، یکسان نیست. به همین منظور در این پژوهش کوشش گردیده که به مهم‌ترین مباحث مطرح شده توسط این دو دوست به صورت جداگانه اشاره شود.

۱-۲: نوالیس و چشم‌پوشی از مطلق

فردریش شلگل و نوالیس در نوشته‌های خودشان به نقش فلسفه به طور کلی و نقطه آغاز اندیشه فلسفی پرداخته‌اند. نوالیس در آغاز مطالعات فلسفی خود از مسئله کانتی بنیان شناخت روی گردانده و به مسئله بنیان هستی توجه می‌کند. وی معتقد است که آن چه که فیلسوفانی چون کانت و فیشته بدان می‌پردازند، اصول منطقی-فلسفی به مثابه نقطه شروع تفکر است، تا اینگونه بتوانند چگونگی به دست آمدن شناخت بشری را تبیین کنند. اما به اعتقاد نوالیس فلسفه به ساحتی برتر تعلق دارد و چنانچه صرفاً بدین موضوعات توجه کند به ناچار دچار محدودیت و ادعای قطعیت خواهد شد. نوالیس برای فلسفه قائل به رسالت تفکر درباره‌ی بنیان مطلق هستی است و نیز در عین حال اقرار دارد که چنین رسالتی هرگز به اتمام نمی‌رسد. نوالیس می‌پرسد: «وقتی به فلسفه می‌پردازم به چه کاری مشغولم؟ در حال تأمل در بنیان هستم. پس ما در اساس فلسفه سودای درک بنیان را می‌بینیم. اما «بنیان در معنای صحیح لفظ، علت نیست، بلکه بیشتر یک ساخت درونی است. در نتیجه تمام هم فلسفه باید منتهی به بنیانی محض شود. اگر این بنیان معلوم نباشد و حاکی از عدم امکان باشد، در آن صورت فلسفه فعالیت بی‌انتها خواهد بود و بنابراین بی‌کرا؛ زیرا که به واسطه ضرورت مطلق بنیانی محض به جنبش درآمده است.» (شفر، ۱۳۵: ۱۳۹۰) بدین منظور نوالیس در مباحث مربوط به مطالعات فیشته خود، ساحت برتر از موضوع تقابل من و جز-من را میان وجود و عدم وجود می‌داند و به دقت نوسان میان آن دو. او آن ساحت را وصف‌ناپذیر قلمداد می‌کند و به همین دلیل معتقد است که فلسفه استدلالی و برهانی در اینجا از حرکت باز خواهد ماند، چرا که دقیقاً "امر درک‌ناپذیر" از هر نوع تفکر تأملی فراتر خواهد رفت. نوالیس معتقد است که کانت